مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹. زمستان ۱۴۰۱

Urban managment
No.69 Winter 2023

۲۵-۴۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

بازخوانی لایه‌های منظر شهری تاریخی ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری «در محدوده حرائم مصوب میراث معماری»

فرناز بایبوردی: گروه معماری، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.
سولماز بابازاده اسکویی: استادیار گروه معماری، واحد اسکو، دانشگاه آزاد اسلامی، اسکو، ایران.
اسدالله شفیع‌زاده*: استادیار گروه معماری، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
امیر حق‌جو: استادیار گروه معماری، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

چکیده
مجموعه معماری شیخ شهاب‌الدین اهری جزو صناعت‌های بی‌نظیر دوره اسلامی ایران است که در کالبد مصنوع و چشم‌انداز طبیعی خود با دارا بودن ویژگی‌های کالبدی خاص همچون تزئینات بی‌بدیل سنگی، امتزاج کیفیت معماری در اعصار متعدد تاریخی از ایلخانی تا قاجار در کنار ارزش‌های ناملموسی مانند آداب‌ورسوم ویژه در مراسمات مذهبی به عنوان منظومه‌ای با کارکرد چندگانه مصداقی از منظر تاریخی و فرهنگی می‌باشد. لکن در ادوار متأخر و به صورت واضح از اواخر دوره قاجار به بعد به دلیل مداخلات غیراصولی ناشی از توسعه نامتوازن شهری در رویارویی جریان‌های حفاظت و توسعه، سبب بروز نابسامانی در هنجارهای محیطی و ساختارهای معمارانه آن گشته و در مواردی نیز برخی کالبدها و نیز قابلیت‌های تاریخی و فرهنگی آن‌ها تخریب و یا با تهدید جدی مواجه شده است. بر این اساس در پژوهش پیشرو سعی بر آن بود تا با رویکرد ارزش‌محور و شناخت قابلیت‌های تاریخی منظر عینی مجموعه، لایه‌های تاریخی منظر شهری مورد خوانش قرار گرفته و در جهت رفع آسیب‌ها و بهبود کیفیت و یکپارچگی آن در برهم‌کنش با لایه‌های تاریخی پیرامونی قدم مؤثری برداشته شود. برای این منظور از یکسو اسناد بین‌المللی و از دیگر سو متون مرتبط به همراه یافته‌های عینی مورد بازخوانی و واکاوی قرار گرفته‌اند. در این مسیر روش توصیفی ـ تحلیلی با کاربست مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و پیمایش‌های میدانی در اولویت قرار گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، مسیرهای دسترسی و کیفیت راه‌های ارتباطی، نظام آبیاری در ساختار باغ شیخ، حرایم حفاظتی میراث معماری، فعالیت‌های اجتماعی ـ فرهنگی محدوده به همراه حوزه نفوذ آثار صناعت یافته، مجموعاً منظر شهری تاریخی منظومه معماری شیخ شهاب‌الدین اهری را عرضه می‌دارد. لذا تقویت بعد نشانه‌شناسی با کاربست الگوهای معماری متأثر از سیر تحول ارسن، تأکید بر قابلیت‌های فرهنگی و تعاملات اجتماعی منتج از کارکرد تاریخی مجموعه و تقویت سطح گردشگری در یک قطب فعال فرهنگی با حفاظت آثار معماری از راهکارهای حفظ تداوم تاریخی لایه‌های مدنظر می‌باشد.

واژگان کلیدی: مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، شهر اهر، لایه‌های تاریخی منظر شهری، تحولات معماری، میراث معماری.

Reading the layers of the historical urban landscape of Arsen, Sheikh Shahabuddin Ahari's collection"Within the boundaries of the approved architectural heritage"

Abstract
Sheikh Shahabuddin Ahri's architectural collection is one of the unique industries of the Islamic period of Iran, which in its artificial body and natural landscape with special physical characteristics such as unique stone decorations, a combination of architectural quality in many historical ages from Ilkhanate to Qajar in Beside intangible values such as special customs in religious ceremonies as a system with multiple functions, it is an example from a historical and cultural point of view. However, in recent periods and clearly from the end of the Qajar period onwards, due to unprincipled interventions caused by the unbalanced development of the city in the face of the currents of protection and development, it has caused disorder in its environmental norms and architectural structures, and in some cases, some bodies and Also, their historical and cultural capabilities have been destroyed or faced with serious threats. Based on this, in the upcoming research, an attempt was made to study the historical layers of the urban landscape with a value-oriented approach and to recognize the historical capabilities of the objective landscape of the complex, and in order to fix the damage and improve its quality and integrity in interaction with The surrounding historical layers should be taken an effective step. For this purpose, on one hand, international documents and on the other hand, related texts along with objective findings have been read and analyzed. In this direction, the descriptive-analytical method with the use of documentary and library studies and field surveys was prioritized. Based on the findings of the research, the access routes and the quality of the communication ways, the irrigation system in the structure of Sheikh's garden, the protection of architectural heritage, the socio-cultural activities of the area along with the sphere of influence of industrialized works, the overall historical urban landscape of the architectural system of Sheikh Shahabuddin Ahri. offers Therefore, strengthening the aspect of semiotics with the use of architectural patterns influenced by the evolution of Arsen, emphasizing the cultural capabilities and social interactions resulting from the historical function of the complex, and strengthening the level of tourism in a culturally active hub by protecting architectural works is one of the ways to preserve the historical continuity of the considered layers.

Keyword: Sheikh Shahabuddin Ahari collection, Ahar city, historical layers of the urban landscape, architectural developments, architectural heritage

* نویسنده مسؤول a-shafizadeh@iau.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

۱. مقدمه

در پهنه وسیع معماری اسلامی ایران آثار متنوعی در پیوند با بستر و زمینه محیطی خود شکل گرفته‌اند که نشان از برهم‌کنش آن‌ها با باورها و سنت‌های مرسوم سرزمینی خود دارند. در این بین و در واکاوی ارزش‌های ملموس و ناملموس موجود در وجوه مختلف پیکره آثار یاد شده و بستر آن در ارتباط با عرصه‌های عمومی شهر و زندگی شهروندان، شناخت حوزه نفوذ آثار، مستتر در لایه‌های تاریخی دربرگیرنده تحولات شهری، مکمل مفاهیم و اقدامات مترتبه حفاظتی مکان می‌باشد. بر مدار این سخن، مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری به عنوان شاخص‌ترین مصداق از برآیند مفاهیم فوق در تجسد زمینه‌های فرهنگی و تاریخی در شهر اهر از جمله بناهای خانقاهی آرامگاهی می‌باشد که در اعصار ایلخانی تا قاجار (Shafizadeh, Ebrahimi, 2020: 254) و در پیوند با چشم‌انداز طبیعی و محیط مصنوع پیرامون خود به عنوان دستاوردی ارزش‌محور طی هفت قرن شکل گرفت. پرداختن به موضوع اسلوب‌های منظر ذهنی مجموعه در حریم سره و مرکب آن در بستر شهری با علم به اینکه منظر مفهومی در حال تغییر است (Pourbahador, Fadaeinejhad,2018: 64)؛ زمانی مهم می‌نماید که متوجه شویم محوطه یاد شده به صورت یکپارچه صناعت نیافته و در سیر تاریخی تکوین خود از قرن ششم ه.ق متأثر از اتمسفر فرهنگی ادوار مختلف و آراء معمارانه ملزوم در بستر طبیعی خود تکمیل و به صورت منظومه‌ای واحد در قرن یازدهم ه.ق درآمده است[۱]. از سوی دیگر وجود مراکز مهم تاریخی و فرهنگی همچون مسجد جامع شهر با قدمتی ۱۰۰۰ ساله، حمام تاریخی اشیک و بارو و دروازه کهن تبریز با قدمت حدوداً ۴۰۰ ساله در جوار و حریم مجموعه، اهمیت تأثیرگذاری آن را در منظر شهری تاریخی و انتقال فرهنگ در بستر عمومی جامعه یادآور می‌شود. لکن با حرکت به سمت کالبدی شدن شهر و افزایش روند مداخلات غیراصولی ناشی از فهم نادرست معاصرسازی همچون نادیده انگاشتن محدوده تأثیرگذاری آثار تاریخی(لایه‌های مترتبه آن) منتج از عدم اطلاع کافی و فقر فرهنگی در مورد آثار واجد ارزش، علاوه بر خدشه‌دار گشتن دریافت‌های بصری(حسی) و کالبدی و بازخوانی رشته‌های خاطرهای حاصل از پیشینه مکان در رخدادهای مستتر در محدوده حریم مجموعه در ذائقه فرهنگی و اجتماعی مردم، اندک بقایای برخی مستحدثات عهد صفوی در جوار ارسن شیخ شهاب و باغ ترتیب یافته در آن روبه‌زوال نهاده و با تخریب آن‌ها چهره مجموعه و چشم‌انداز آن دگرگون گشت. از آنجایی که منظر شهری تاریخی عرصه‌های شهری است که دربردارنده لایه‌های تاریخی از فرهنگ و ارزش‌ها و ویژگی‌های طبیعی در میان مراکز تاریخی می‌باشد (Unesco,2011)؛ بر این منوال و با توجه به توصیف فوق، انسجام فضایی منظر عینی و ذهنی در ارتباط سازنده میان شهروندان و میراث معماری و چشم‌انداز پیرامونی آن در بخش شهری دربردارنده مجموعه شیخ شهاب، ادراک نمی‌شود. در این باره پرسش‌های پژوهش به شرح زیر طرح گردید: ۱. پارامترهای مؤثر در شکل‌دهی و استمرار منظر شهری تاریخی مجموعه شیخ شهاب‌الدین کدام‌ها هستند؟ ۲. مهم‌ترین اجزا سازند منظر شهری تاریخی مجموعه در روند توسعه آن چیست؟ بر مدار این سخن و با توجه به تأثرات اجتماعی و فرهنگی محدوده مورد مطالعه و نقش تاریخی و محوری آن در اعتقادات مردم شهر در عین پاسخگویی بالقوه به نیازهای کالبدی و ذهنی، مکانی(تاریخی- فرهنگی)، مذهبی و اجتماعی؛ جهت حصول رأی بر لایه‌های متشکله منظر شهری تاریخی پیرامون مجموعه شیخ شهاب‌الدین(حرایم میراث معماری) در جنوب شهر و در ارتباط با سازمان فضایی آن در اولویت تحلیل قرار گرفت. به بیانی دیگر، این پژوهش در پی آن بود تا دیدی جامع از منظر شهری تاریخی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری را مبتنی برتبیین و خوانش لایه‌های سازند آن مورد بازشناخت قرار دهد تا از خلال آن، ارزش‌های فرهنگی و تاریخی مستتر در آن که ارتباط تام با دیدگاه‌های عینی و ذهنی (رشته‌های خاطرهای) استفاده‌کنندگان از آن فضا دارد، بروز دهد. بر اساس یافته‌ها، لایه‌های تاریخی مدنظر همچون محیط جغرافیایی پیرامون، مسیرهای دسترسی و راه‌های ارتباطی، نظام آبیاری در ساختار باغ شیخ، حرایم حفاظتی میراث معماری، فعالیت‌های اجتماعی ـ فرهنگی محدوده به همراه حوزه نفوذ آثار صناعت یافته در ارتباط با همدیگر دربرگیرنده ابعاد ناملموس میراث معماری یاد شده می‌باشند. لذا در تداوم ادراک انتظام فضایی آن، توجه به ویژگی‌های بصری و کالبدی، در کنار رهیافت از نوع تأثرات عملکردی، مؤثر خواهد بود.

۲. روش پژوهش

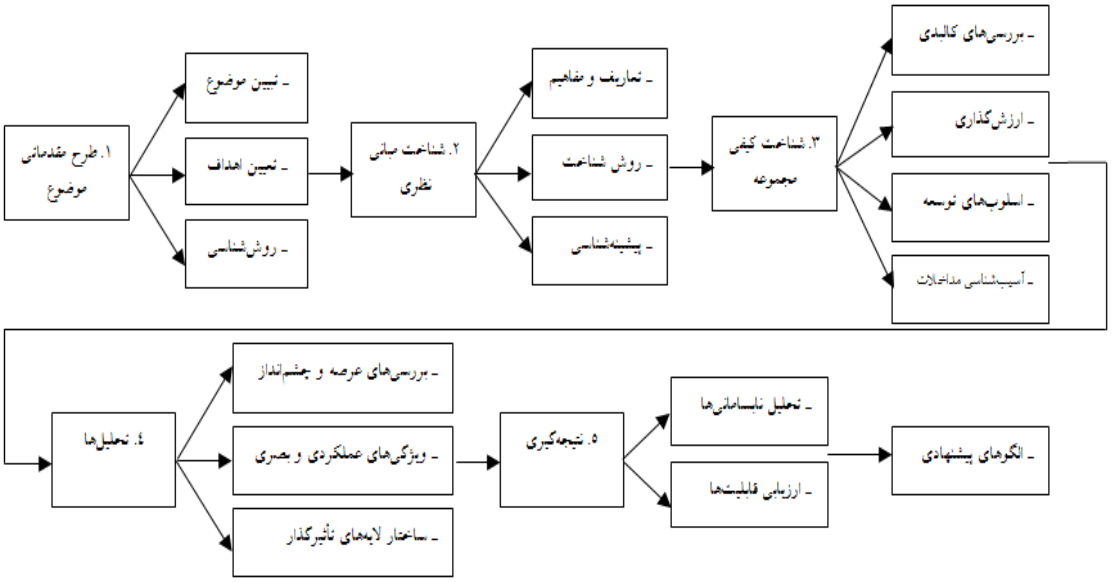
از آفرینش و پیدایی یک اثر در بستر محیطی خود و تعلق معنا در طول پویایی تاریخی بدان، دارای پیام‌هایی است که با تدقیق در آن، حصول معرفت به ارزش‌های متعلقه و مستتر ممکن می‌گردد. چراکه هر اثری با توجه به دوران و موقعیت ساخت، با محیط و بستر پیرامونی خود وفق یافته و به‌گونه‌ای پیوند برقرار نموده است. لذا یافتن عواملی که باعث شدند بنا موجودیت خود را حفظ کند، پارامترهای مهمی برای تداوم ادراک زمینه‌های تاریخی و پایداری اثر هستند. بر این اساس رویکرد نظری پژوهش حاضر در برخورد با موضوع به منظور تحصیل لایه‌های سازند منظر شهری تاریخی جنوب شهر اهر، دربردارنده مجموعه ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری و حرایم آن و نیز بهبود کیفیت اثرگذاری و معرفت به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، به صورت توصیفی ـ تحلیلی با راهبرد کیفی (تحلیل محتوا و استدلال منطقی میان داده‌ها) و رویکرد مورد پژوهی با راهکار بازخوانی اسناد تاریخی (کتابخانه‌ای) و بهره‌گیری از کاوش‌ها و پیمایش‌های میدانی بود. بر این مبنا با مطالعه عناصر متشکله تاریخی مجموعه و پیرامون آن، الگوی لایه‌های تاریخی منظر شهری محدوده، احصا و

۱ـ برای مطالعه بیشتر ن.ک. به: (ترکمان، ۱۳۹۰) و (ملاجلال، ۱۳۹۹).

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱
Urban managment
No.69 Winter 2023

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

موردبررسی و تحلیل قرار گرفت. در این مسیر با توجه به کمبود اطلاعات، بررسی‌های عینی کالبدهای تاریخی موجود در محوطه مجموعه و پیرامون آن جهت درک صحیح موضوع، راهگشا بود(نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱: الگوی نظری مورد استناد در برخورد با موضوع، مأخذ: نگارندگان.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱

Urban managment
No.69 Winter 2023

۳. پیشینه پژوهش

در پیشینه‌شناسی ادبیات موضوع، آنچه تا به حال محتوم است؛ منابع چندانی در خصوص معرفی و تحلیل منظر تاریخی مجموعه شیخ شهاب‌الدین در بعد شهری، به نگارش درنیامده و ضعف اسنادی درباره آن واضح می‌باشد. در منابع تاریخی و معاصر نیز همچون ملاجلال (۱۳۹۹)، ابن‌حوقل (۱۳۶۶)، ترکمان (۱۳۹۰)، دیباج (۱۳۷۵) و... بیشتر، معرفی کلی مجموعه و در برخی نیز شرح بخش‌های متشکله ابنیه موجود مدنظر بوده است. اندک پژوهش‌هایی نیز که در یک دهه اخیر در مورد مجموعه مذکور تحریر یافته‌اند عمدتاً معطوف به دوره‌شناسی تاریخی کالبدهای معماری آن است که البته توانسته‌اند ابهامات بنیادینی را نیز در حوزه تعلق زمانی کالبدهای موجود برطرف نمایند[۱]. لذا در خصوص کمیت و کیفیت منظر تاریخی و لایه‌های سازند آن در ارسن شیخ شهاب‌الدین، اطلاع چندانی در دست نیست؛ اما در زمینه مفهوم و رویکرد منظر تاریخی، فرهنگی و شهری تاریخی، آثار و اسناد متعددی همچون مقاله، کتاب، رساله‌های دکتری و نیز دستورالعمل‌های برآمده از برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی به طبع رسیده‌اند. در این حوزه عمده منابع در تشریح ابعاد دانش منظر، کیفیت و نحوه پیدایی و پویایی آن و ملزومات وابسته (منظر تاریخی، فرهنگی و شهری تاریخی) جمع آمده و در واکاوی جنبه‌های متنوع مفروض، به تشریح و کاربست مفاهیم در بعد عملکردی و فعالیتی در کنار معیارهای ذهنی پرداخته‌اند. چهارچوب شکل یافته و روند طی شده در به هنجار درآوردن رویکرد اخیر، نخستین بار توسط کارل سوئر در سال ۱۹۲۵ میلادی به کار رفت و از آن به بعد به منزله مفهومی مشترک در رشته‌های وابسته به مطالعات محیطی شناخته شد (Natanj, Zat akram, 2019: 20). با ادامه تحقیقات و اهمیت یافتن پویایی و توسعه فرهنگ‌ها در زمینه تاریخ و در پی آن، مطرح شدن مفهوم منظر به مثابه یک فرایند مولد فرهنگ به جای یک محصول منتج از فرهنگ (Jafarpour, at al, 2020: 184)، تحقیقات متأخر، به دنبال بازخوانی نوعی احساس هویت(این همانی) جامعه با عوامل هویتی محیط (مصنوع یا طبیعی) در کنار میراث ملموس، ناملموس و تنوع‌های زیست‌محیطی و فرهنگی مؤثرات تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و... آن‌ها، به صورت چندوجهی با توجه به ویژگی‌های بصری و کالبدی؛ بود. از جمله پژوهش‌های خارجی و داخلی در منظومه متعین فوق، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (جدول شماره ۱).

۱ـ برای مطالعه بیشتر ن.ک. به: (کبیرصابر، ابراهیمی، ۱۳۹۲) و (شفیع‌زاده، ابراهیمی، ۱۳۹۹).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

جدول شماره ۱: مفاهیم واکاوی شده در مورد منظر تاریخی و فرهنگی از دیدگاه برخی صاحب‌نظران

ردیف	مؤلف	دیدگاه یا هدف
۱	Sauer, 1925, 1938	مطرح نمودن مفهوم منظر در جغرافیای منطقه‌ای و در نظر گرفتن مفهوم فرهنگ، مناظر و تاریخ در درون‌مایه آن در نقش واسط.
۲	Lewis, 1979	منظر فرهنگی و تاریخی متناظر با محیط بیرونی شکل گرفته است.
۳	Buggey & Mitchell, 2003	منظر تاریخی و فرهنگی محصول درهم تنیدگی فرهنگ و جغرافیا می‌باشد.
	Icomos 2005	حفاظت از اهمیت معنایی منظر شهری
۴	Longstreth, 2008	منظر فرهنگی نتیجه فرآیندهای تغییر مؤلفه‌های طبیعی و انسان‌ساخت محیط است.
۵	Mitchell, 2008	محیط شناخته شده موجود حاصل ادراک است و نه سببی برای ادراک.
۶	Wu, 2010	منظر تاریخی و فرهنگی واگو کننده نمودهای انسانی در بستر فرهنگ می‌باشد.
۷	Unesco, 2011	منظر شهری تاریخی و فرهنگی: در پی لایه‌بندی تاریخی، ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی است.
۸	Harden, 2012	منظر تاریخی و فرهنگی نتیجه تعامل انسان و طبیعت می‌باشد.
	Icomos 2014	اهمیت بعد ملموس و ناملموس منظر در ایجاد توسعه پایدار
۹	Ives et al, 2017	منظر گونه‌ای دیگر از مکان و محصول تعامل انسان و محیط در فضاهای بیرونی است.
۱۰	Bille Larsen et al, 2017	منظره‌ای تاریخی و فرهنگی، گویای سیر تکامل جوامع تحت تأثیر فشارها یا فرصت‌هایی هستند که طبیعت یا نیروهای اجتماعی، فرهنگی و... پیوسته ایجاد می‌کنند.
۱۱	Donato & Lohrasbi, 2017	استفاده از رویکرد حاکمیت جمعی و مشارکتی در مدیریت حفاظت منظر فرهنگی.
۱۲	Moore & Tully, 2018	منظر فرهنگی نماینده الگوهای سکونت و سیر تکامل ارزش‌های فرهنگی است.
۱۳	بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹	استخراج رویکردهای ۴ گانه باززنده‌سازی مناظر فرهنگی و تاریخی.
۱۴	پوریوسف زاده و دیگران،۱۳۹۱	در پی احیای نشانه‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌های بومی.
۱۵	مخلص و دیگران، ۱۳۹۲	منظر فرهنگی و تاریخی، مفهومی است دربردارنده ارزش‌های فرهنگی و طبیعی.
۱۶	تقوایی، مطهری راد، ۱۳۹۳	بازخوانی الگوهای تحلیل منظر شهری تاریخی بر اساس مورد پژوهی
۱۷	صادقیان و دیگران، ۱۳۹۹	بهره‌گیری از مؤلفه‌های ذهنی و عینی منظر فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن‌ها.
۱۸	جعفرپور ناصر و دیگران، ۱۳۹۹	منظر شهری تاریخی در انطباق با زمینه‌های محلی، پایه‌ای را برای ادغام حفاظت شهری فراهم می‌آورد.
۱۹	حبیبی و صمدی کافی، ۱۳۹۹	شناساندن رویکرد لایه‌نگاری در تبیین و شناخت شهرهای تاریخی

بر این منوال در واکاوی و جمع‌بندی پیشینه پژوهش‌های بررسی شده و با در نظر گرفتن تغییرات مداوم مکانی و زمانی عصر حاضر، برهم‌کنش سه عامل تاریخ، مواد فرهنگی و فضای فعالیت انسان (جغرافیا) در منظر تاریخی و فرهنگی مشخص است (Labaf khaniki, 2016: 112). بدین‌جهت است که مبتنی بر قوانین برآمده از توصیه‌نامه‌ها، کنوانسیون‌های بین‌المللی و الگوهای داخلی؛ فضاهای نشأت یافته از این‌چنین دیدگاه‌های تحول‌گرایانه، سبب رونق حیات شهر در وجوه متنوع خود شده و منبعث از آن، بازآفرینی رشته‌های خاطرهای حاصل از رخدادهای حادث شده بر مکان در اذهان شهروندان نمود پیدا می‌کند. لذا با بازتعریف لایه‌های متشکله منظر شهری تاریخی در حوزه تأثیرگذاری اثر، ضمن تلاش در کالبد یافتن اندیشه‌ها، بروز رفتارهای اجتماعی منتج از مشارکت مردمی تسهیل می‌شود. براین اساس، روشن شد که هرگونه الگوی پیشنهادی جهت خوانش منظر در محوطه‌ای تاریخی در شهر باید در ارتباط با سویه‌های طبیعی و فرهنگی شکل‌دهنده به آن صورت پذیرد. این امر مستلزم آن است که نگاه جزءنگر به سمت تبیین بنیان‌های اصلی تجسد یافته در آن سوق یابد.

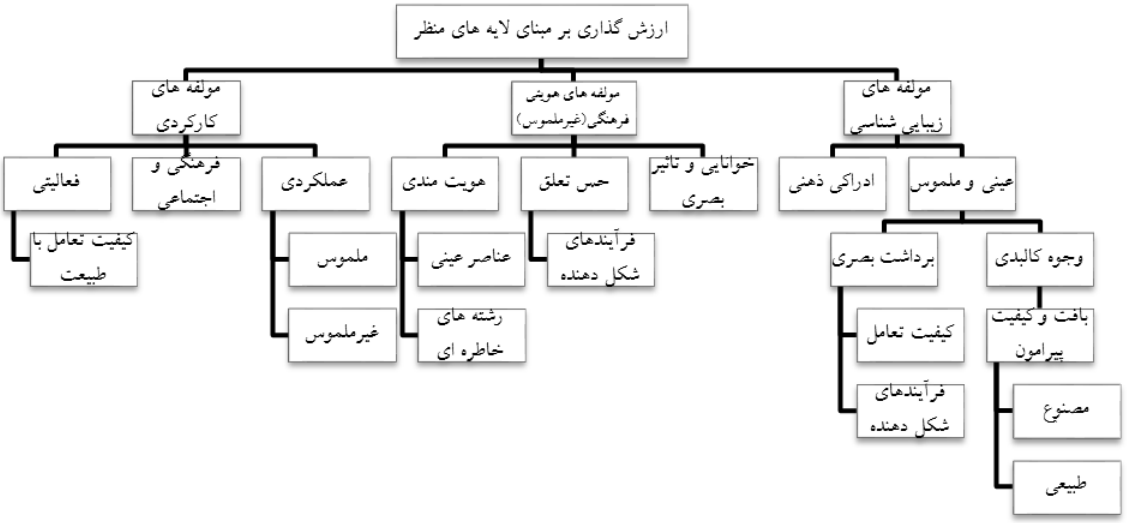
٤. منظر شهری تاریخی

آثار و ابنیه تاریخی، بخشی از دارایی‌های فرهنگی و معنوی جوامع بشری هستند که لمحاتی از مصادیق عینی اندیشه‌ورزی پیشینیان در امر صناعت محیط مصنوع را متذکر می‌شوند و همواره لایه‌هایی از تاریخ را به عنوان زنگاری از رخدادهای حادث شده پیشین متأثر از پدیده زمان، با خود حمل می‌نمایند. لایه‌هایی همگام شده با منظر مترتبه تاریخی که توسط آن می‌توان خطوط برجای مانده در بطن مکان و زمان را بازخواند. در این خصوص، رویکرد جهانی در مورد شناخت، نگه داشت و احیای منظر از جمله توصیه‌نامه سال ۲۰۱۱ یونسکو، تنها مطالعه اکولوژیکی محیط طبیعی و حفاظت و نگهداری از عناصر طبیعی را کافی نمی‌داند و توجه به هر دو جنبه

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱
Urban managment
No.69 Winter 2023

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

عینی و ذهنی منظر را اصل قرار می‌دهد و معتقد است از یک‌سو احیای بستر زیست‌بوم منطقه موجب سلامت، زیبایی و پایداری منظر است و از سوی دیگر، احیای نمادها و نشانه‌های فرهنگی و تاریخی سبب تداوم تاریخی ارزش‌های فرهنگی یک سرزمین و حفظ هویت منظر آن می‌شود (Shahsavarghar, 2011: 54). به دلیل نو بودن موضوع و کاربست مفهوم منظر شهری تاریخی، شناخت ریشه‌ها و اولویت‌ها امری ضروری است. بر این منوال، منظر شهری تاریخی با رویکرد معرفت به عناصر تاریخی و فرهنگی جهت لایه‌بندی تاریخی اثر را می‌توان به مثابه گردآورنده خاطره‌های جمعی هر جامعه در طول تاریخی در نظر گرفت که می‌تواند به عنوان تشخیص کیفیت‌های خاص در قلمروهای شهر تاریخی یا محوطه‌ها، درجایی که تغییرات در بازه ایستا تا پویا رخ می‌دهد، شناخته شود (Pourbahador, Fadaeinejhad,2018: 66). در این حالت، می‌توان چنین قلمداد نمود که منظر شهری تاریخی منطقه‌ای شهری است که به عنوان پیامد لایه‌بندی تاریخی[1] از ارزش‌ها و خصوصیات فرهنگی و طبیعی، فراسوی اندیشه، مرکز تاریخی یا مجموعه گسترش یافته و بستر گسترده شهری و محیط جغرافیایی‌اش را دربرگرفته (Alizadeh, Khanmohammadi, 2013: 75) و صرفنظر از نقششان به عنوان مستندات تاریخی، ارزش‌های سنتی فرهنگ‌های شهری را در خود جای داده است (Farhang, 1987). به بیانی دیگر، منظر شهری تاریخی همواره شاخص‌های هویت، این‌همانی و حس تعلق به مکان را در ساحت انسان و محیط بیان می‌کنند و پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها هستند؛ چراکه بر اساس مقیاس انسانی طراحی شده‌اند (Mansori, Jahanbakhsh, 2013: 90) و از این‌رو راهی نو برای حفاظت از میراث شهرهای تاریخی و مدیریت آن‌هاست (Farahani, 2016: 48). مطابق توصیه‌نامه یونسکو در سال ۲۰۱۱ در خصوص بسط منظر شهری تاریخی ـ کـه بازخورد لایه‌بندی تاریخـی از ارزش‌ها و ویژگی‌های طبیعـی و مصنوع سازمان شهری می‌باشد ـ اهداف متصور بر آن محاط بر فضاهای یاد شده عبارتند از: الف). بازخوانی مؤلفه‌های ذهنی و معنایی(زیبایی‌شناختی). ب). واکاوی حول نمود فرهنگی و تبلور هویتی آن. ج). بازاندیشی در حوزه کارکردی. با این دید، منظر شهری نه خاطرات صرف است (غیرمحسوس ـ ذهنی) و نه کالبد صرف (محسوس ـ عینی)؛ بلکه پدیده‌ای است عینی ـ ذهنی که از تعامل این دو در شهر حاصل می‌شود (Atashinbar, 2009: 50) و موجودیت آن به دارا بودن پارامترهای موصوف و در ارتباط با کنش‌های اجتماعی جاری در آن بستگی تام دارد. لذا، برای ادراک تاریخ در مکان مشخص شده مطروحه کافی است در کالبد و فضای مشترک شهری کاوش و تدقیق نظر صورت پذیرد و ضمن بررسی لایه به لایه آن، بخش‌های متعلقه را تحلیل و تفسیر نمود (نمودار شماره ۲).



نمودار شماره ۲: الگوی ارزش‌گذاری لایه‌های منظر شهری تاریخی، مأخذ: نگارندگان.

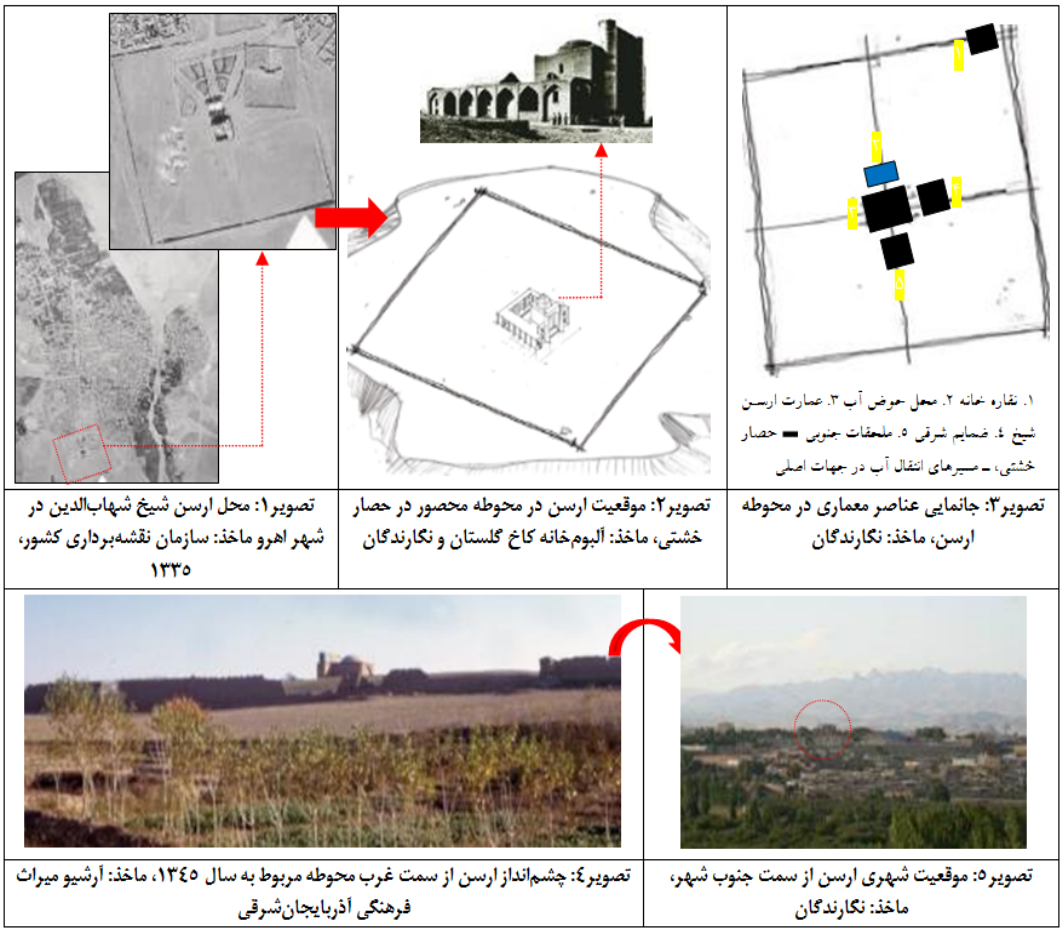
۱-٤. شناخت کیفی مجموعه

از آنجا که بنا همانند موجود زنده، از لحظه به وجود آمدنش در بستر زمانی مکانی خود زیسته و از آن تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر گذاشته است؛ بررسی تاریخی آن، از اولین قدم‌هایی است که برای رسیدن به شناخت جامع می‌باید انجام گیرد. به لحاظ کارکردی آن‌گونه که مشهور است خانقاه شیخ شهاب‌الدین اهری در قرن هفتم هجری قمری به سبب تأثیر وجودی شیخ، یکی از پایگاه‌های عمده تصوف

۱ـ با استفاده از انگاره لایه‌بندی تاریخی منظر شهری می‌توان به بازنمایی نقشه‌هایی از لایه‌های شهری در قالب نقشه‌نگاری پرداخت. سپس به بازبینی و خوانش مجدد این لایه‌های تاریخی و بازشناسی عناصر ارزشمند نهائی و فراموش شده در شهر دست یافت (حبیبی، صمدی کافی، ۱۳۹۹: ۸۱).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

در آذربایجان محسوب می‌شد (Kabirsaber, Ebrahimi, 2013: 72) و آنچه بر اهمیت این خانقاه می‌افزود، ارتباط دائمی آن با شهر تبریز بود. شهری که سنت‌های عرفانی ریشه‌داری داشت و در آن دوران به سبب تجمع مشایخ، یکی از مهم‌ترین محیط‌های عرفانی ایران به حساب می‌آمد (Movahed, 2002: 44). از نقطه‌نظر استقرار، مجموعه مذکور در جنوب اهر و در مکانی مشرف‌به شهر با جهت‌گیری شمالی ـ جنوبی (مواجهه با قبله) جای داشته و محصور در حصار خشتی، نزدیک رودخانه اهرچایی و در بالادست آن، بنا گشته است. آنچه از ظواهر امر و بقایای آثار روشن است، انشاء اثر یاد شده به درازای عهد ایلخانی تا صفوی؛ تحدید شده با حصاری خشتی به ابعاد ۲۸۰*۳۱۰ متر بوده که داخل آن محوطه‌ای مشجر از دوره صفوی به همراه ضمایمی همچون نقاره‌خانه، مدرسه، مطبخ و... قرار داشته که منظری به عنوان باغ مزار برای فضای مورد اشاره ترتیب داده بود (Mollajalal, 2020: 427&285). همچنین با تأمل در هندسه و بررسی نحوه چیدمان و پراکنش واحدهای معماری در ساخت هندسی آن مؤید چندمرحله‌ای بودن توسعه کالبدی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری می‌باشد (Shafizadeh, Ebrahimi, 2020: 251). با توجه به ارتفاع این محوطه نسبت به شهر و محصور بودن شهر توسط رشته‌کوه‌های منطقه، دید و چشم‌انداز بصری زیبایی نسبت به آن داده است. بدین‌صورت که از سمت شمال مشرف‌به شهر و کوه‌های شیور، از سمت جنوب و غرب مشرف‌به رشته‌کوه کچی قران و درنهایت از سمت شرق دید به سمت قله سبلان دارد. در حال حاضر نیز منتج از ساخت‌وسازهای چند دهه اخیر در محوطه و حریم مجموعه، تنها دسترسی اصلی سواره محوطه مذکور، از شمال آن و به خیابان شیخ شهاب می‌باشد. همچنین جانب شمال شرقی حصار مجموعه در تلاقی با باروی قدیمی حاکم‌نشین شهر (قلعه قاپوسی) بوده و در ادامه همان مسیر مسجد جامع شهر با قدمتی از عهد سلجوقیان (Tabatabaei, 2005: 61) و محل حمام اِشیک منتسب به دوره صفوی قرار دارد (شکل شماره ۱).



تصویر۱: محل ارسن شیخ شهاب‌الدین در شهر اهرو ماخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۳٥

تصویر۲: موقعیت ارسن در محوطه محصور در حصار خشتی، ماخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان و نگارندگان

تصویر۳: جانمایی عناصر معماری در محوطه ارسن، ماخذ: نگارندگان

تصویر٤: چشم‌انداز ارسن از سمت غرب محوطه مربوط به سال ۱۳٤٥، ماخذ: آرشیو میراث فرهنگی آذربایجان‌شرقی

تصویر٥: موقعیت شهری ارسن از سمت جنوب شهر، ماخذ: نگارندگان

شکل شماره ۱: وضعیت استقرار مجموعه شیخ شهاب‌الدین در جنوب شهر اهر

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱
Urban managment
No.69 Winter 2023

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

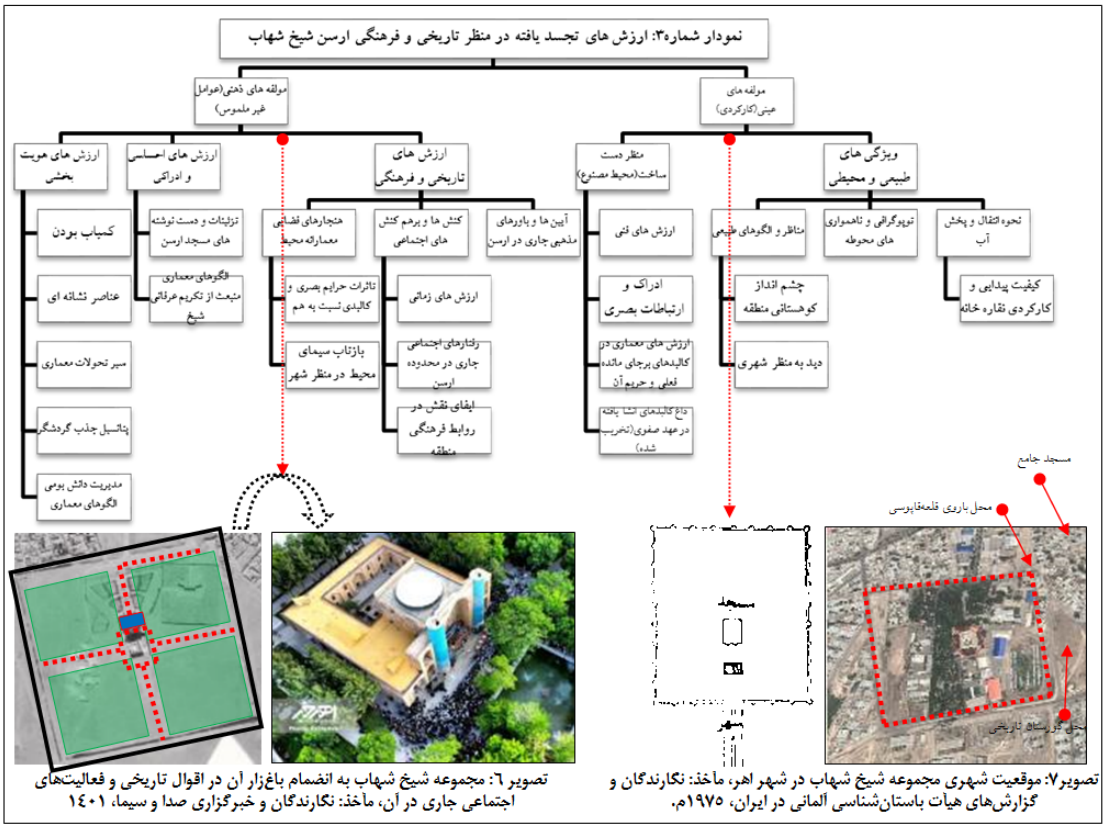
۲-٤. ارزش‌ها در منظر تاریخی و فرهنگی تاریخی ارسن شیخ شهاب؛ مفاهیم و مصادیق

یک اثر تاریخی قبل از آن که نمایانگر ساختار فنی و اصول اجرایی باشد، بیانگر ترجمانی از هنجارهای اندیشه‌ورزی، کنش‌ها و برهم‌کنش‌های اجتماعی پیشینیانمان با مفهومی چند ساحتی است. اصولاً بنای هر مرکزی برای هدف خاصی است یعنی علت غایی بر علت صوری تقدم دارد. بر این مبنا، در کسب معرفت نسبت به اسلوب‌های معماری ایرانی، فضای قابل ادراک آن را نمی‌توان صرفاً در تمامیت کالبدی تفسیر نمود. چراکه هر اثری با توجه به دوران و موقعیت ساخت، با محیط و بستر پیرامونی خود وفق یافته و پیوند برقرار نموده است و آنچه که به این ترکیب از بعد زمان و مکان غنا می‌بخشد منظره‌ای است که حامل پیام‌هایی از سیالیت فضا در حرکت به سوی بخش‌های متنوع آن است که کلیتی یکدست را در کالبد و معنا عرضه می‌نماید. فضاهای برآمده از این‌چنین دیدگاه‌های مبتنی بر رهیافت به نیازهای ذهنی و عینی انسان در دریافت‌های محیطی، امکان کالبد یافتن وجوه ذهنی، بروز رفتارهای اجتماعی و شکل‌گیری تعاملات مردمی را تسهیل می‌نمایند. بر این اساس از مفاهیم بنیادین مستتر در ساحت منظر میراث واجد ارزش معماری مرتبط با نظام شهری می‌توان به بعد معنا در مکان[1]، اصالت در دو حوزه ملموس و ناملموس همچون هویت، تشخص و...، یکپارچگی و پویایی عینی و ذهنی[2] اشاره نمود. ارسن شیخ شهاب‌الدین به همراه محوطه‌اش به دلیل تأثرات عرفانی و مذهبی منسوب به دیدگاه‌های متفاوت ادوار مختلف زمانی (Movahed, 2002: 44)، ضمن برخورداری از شاخصه‌های تاریخی (کرونولوژی)، فرهنگی، مذهبی، سیاسی و هویتی به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های میراث فرهنگی و طبیعی وابسته به مکان (بعد معنایی)؛ به علت قرارگیری در جوار محل دروازه تبریز با ایفای نقش در روابط فرهنگی و اجتماعی شهر و منطقه در کنار عناصر واجد ارزش معماری بافت شهر، حائز اهمیت است. آثار معماری ملحوظ در زمان احداث و توسعه کالبدی مجموعه شامل ارسن شیخ شهاب که دربردارنده خانقاه، مسجد، صحن، محل زندگی، حجره‌هایی جهت اقامت زوار و گنبدخانه می‌باشد. نقاره‌خانه، حصار خشتی، حوض آب، باغ محاط بر آن و همچنین ضمایمی مانند مدرسه، مطبخ و... که در حال حاضر ارسن یاد شده به همراه بخشی از حصار خشتی در دسترس می‌باشد. مع‌الوصف علیرغم نمود عینی بخشی از میراث ترتیب یافته در محوطه مذکور ـ نه همه آن ـ و تجسد خطوط معماری ادوار متعدد از اعصار ایلخانی تا قاجار در کالبد آن، به دلیل برجا بودن برخی سنت‌های برگرفته از فرهنگ‌عامه در مجموعه موصوف، اصالت ناملموس اثر در کنار یکپارچگی و تمامیت کالبدی میراث معماری ارسن شیخ شهاب‌الدین قابل ادراک می‌باشد. همچنین منظر عینی آن در بخش جنوبی شهر و در ترابط و تلازم با بستر طبیعی محیط (چشم‌انداز کوه‌ها و رودخانه اهرچایی)، عناصر تاریخی انسان‌ساخت در کنار دید به شمال شهر با تحولات پیچیده و متعدد معمارانه‌اش، قابل خوانش است. در حال حاضر نیز با روح زندگی، فعالیت‌های اجتماعی و تأثرات ابنیه معاصر و مناظر مترتبه آن پیوند خورده و علیرغم ناملایمات وارده، توانسته جایگاهی به مراتب ارجمند برای خود داشته باشد. به بیانی دیگر مجموعه یاد شده، ضمن برقراری پیوند با رخدادهای تاریخی حاصل از پیشینه مکان تحت عنوان فرآیند دوسویه تأثیرگذار در روابط شهر و شهروند، تعاملات گسترده اجتماعی با شهر معاصر و ملزومات آن دارد. هرچند که به دلیل عدم برخورداری از کاوش‌های باستان‌شناسی کافی، هنوز ناگفته‌های فراوانی دارد. از این روی التزام بخشیدن به ساختار و کیفیت آن از طریق شناسایی سازمان کالبدی و فضایی آن با تفکیک و لایه‌بندی تاریخی ارزش‌ها و کیفیتشان، امری مهم می‌نماید. به‌طور کلی منظر این قسمت از جنوب شهر (محوطه تاریخی مجموعه شیخ شهاب) از سه بخش مناظر شهری شامل دیدروهای اصلی شمالی ـ جنوبی محوطه، آثار و ابنیه تاریخی داخل محوطه و همجوار با آن شامل عناصر موجود حصار خشتی دور مجموعه، ارسن شیخ شهاب و ابنیه تخریب شده همچون نقاره‌خانه، مطبخ، مدرسه (Kazempour, Archaeological reports of the collection, 2021) و چشم‌انداز طبیعی جنوبی دربردارنده دورنمای جنوب مجموعه به سمت رشته‌کوه کچی قران در جوار رودخانه اهرچایی تشکیل شده است (نمودار شماره ۳).

۱ـ اهمیت معنایی مکان، مجموعه‌ای از ارزش‌های میراث فرهنگی و طبیعی وابسته به مکان است (پوربهادر، فدائی نژاد، ۱۳۹۷: ۶۹).

۲ـ یکپارچگی به معنای عام دربرگیرنده عدم اختلال در تمامیت و سلامت کالبدی و یکپارچگی میراث معماری است (Unesco, 2009).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]



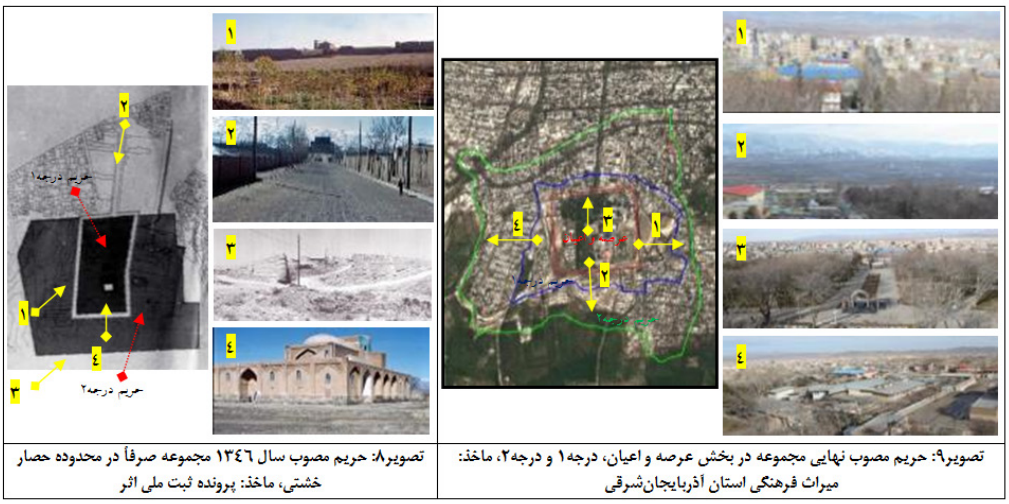
تصویر۷: موقعیت شهری مجموعه شیخ شهاب در شهر اهر، مأخذ: نگارندگان و گزارش‌های هیات باستان‌شناسی آلمانی در ایران، ۱۹۷۵م.

تصویر ٦: مجموعه شیخ شهاب به انضمام باغ‌زار آن در اقوال تاریخی و فعالیت‌های اجتماعی جاری در آن، مأخذ: نگارندگان و خبرگزاری صدا و سیما، ۱۴۰۱

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱
Urban managment
No.69 Winter 2023

۳-٤. حرایم ثبتی میراث معماری شیخ شهاب‌الدین

اولین نقشه حریم منظری مجموعه شیخ شهاب‌الدین با توجه به تخریب و تسطیح محوطه آن در سال ۱۳۱۶ شمسی (Tabatabaei, 2005: 53-59)، بر طبق بقایای برجای مانده از حصار خشتی پیرامون محوطه در سال ۱۳۴۵ ش توسط وزارت فرهنگ و هنر وقت(اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران) ابلاغ گردید. بر طبق این نقشه، حریم بنا شامل دو بخش درجه یک و دو می‌باشد. لکن در اوایل دهه گذشته حریم مذکور با در نظر گرفتن حوزه نفوذ اثر به عنوان شاخص معماری شهر مجدداً تعیین گردید. با توجه به اینکه حریم منظری موردنظر در این پژوهش منظر دربرگیرنده لایه‌های مختلف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و... است، لذا در فهم انتظام کالبدی آن، حوزه نفوذ یاد شده و با توجه به ویژگی‌های بصری و کالبدی، در کنار رهیافت از نوع تأثرات عملکردی ملاک عمل خواهد بود (شکل شماره ۲).



تصویر۸: حریم مصوب سال ۱۳٤٦ مجموعه صرفاً در محدوده حصار خشتی، ماخذ: پرونده ثبت ملی اثر

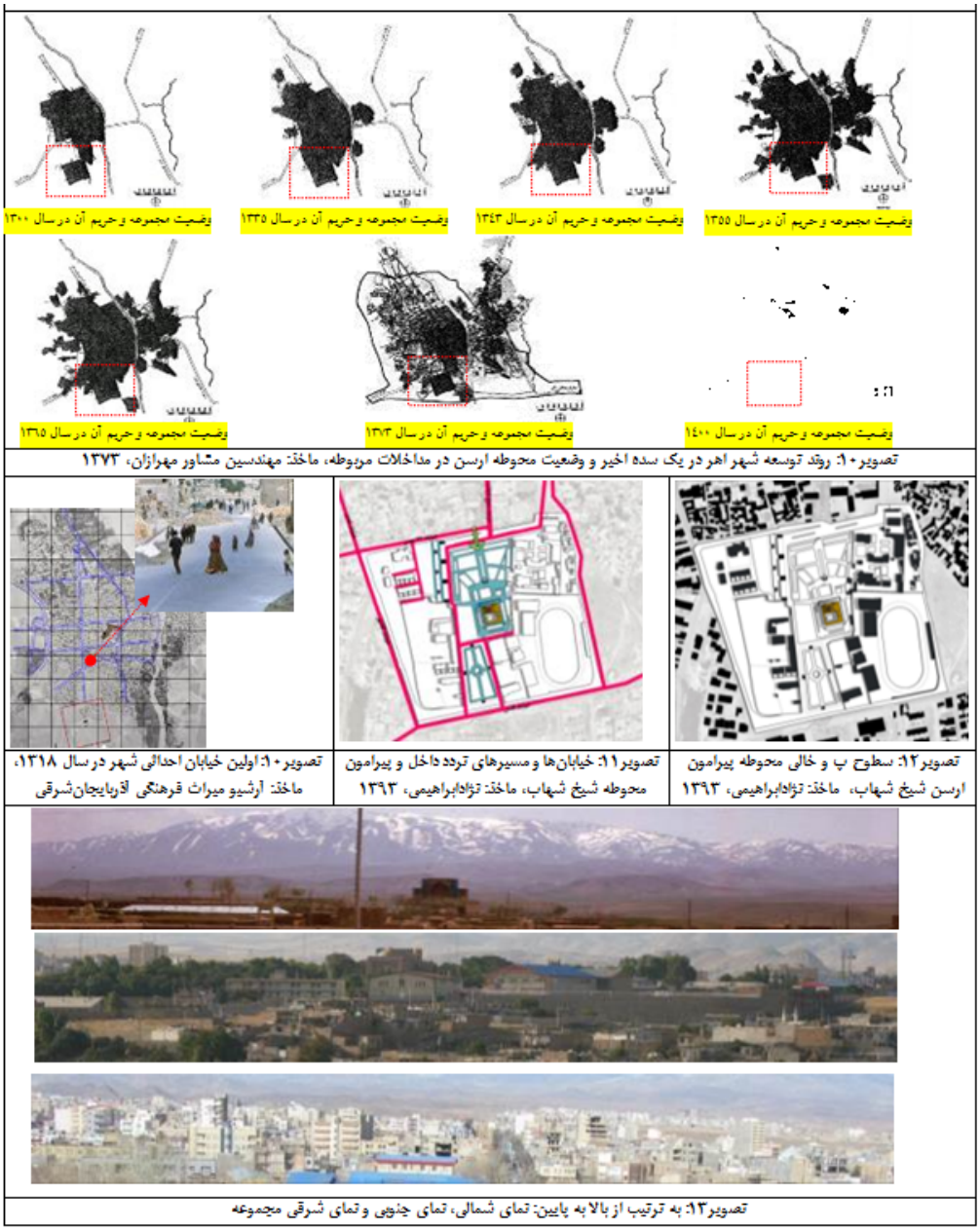
تصویر۹: حریم مصوب نهایی مجموعه در بخش عرصه و اعیان، درجه۱ و درجه۲، ماخذ: میراث فرهنگی استان آذربایجان‌شرقی

شکل شماره ۲: حرایم مصوب میراثی برای مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

٤-٤. مداخلات دوره معاصر و آسیب‌شناسی حوزه نفوذ اثر (محدوده مورد مطالعه)

بافت تاریخی شهر اهر در جنوب آن از حیث ساختار شکلی و مناسبات اجتماعی حاکم در شهر، از غالب مشخصه‌های الگوی یک شهر ایرانی ـ اسلامی برخوردار بوده است (Nejhadebrahimi, 2014). بر این مبنا عناصر اصلی سازنده الگوی یاد شده عبارت بودند از مسجد جامع، بازار تاریخی و حاکم‌نشین (قلعه قاپوسی). کنار هم قرارگیری این عناصر منجر به بروز ارزش‌های کالبدی شهری و برهم‌کنش‌های منتج از آن که امروزه نیز اثراتی از آن قابل مشاهده است. مداخلات و تغییرات کالبدی در محدوده یاد شده (حریم منظری مجموعه) عمدتاً از آغاز سده ۱۳۰۰ شمسی شروع و تا به امروز ادامه داشته است و بیشتر معطوف به توسعه بافت جدید شهری و نیز خیابان‌کشی‌های معاصر در پیرامون محوطه و حوزه نفوذ آن در محدوده‌های تقریباً ۳۵ هکتاری می‌باشد. همچنین محدوده موردنظر در جانب شمال و شمال شرقی در همسایگی بازار تاریخی، مسجد جامع و کهن دژ، در جانب شرق دربرگیرنده گورستان تاریخی شهر و در سوی جنوب نیز در جوار خانه‌های تاریخی از عهد قاجار می‌باشد (جدول شماره ۳).



تصویر۱۰: روند توسعه شهر اهر در یک سده اخیر و وضعیت محوطه ارسن در مداخلات مربوطه، ماخذ: مهندسین مشاور مهرازان، ۱۳۷۳

تصویر۱۲: سطوح پ و خالی محوطه پیرامون ارسن شیخ شهاب، ماخذ: تژادابراهیمی، ۱۳۹۳

تصویر۱۱: خیابان‌ها و مسیرهای تردد داخل و پیرامون محوطه شیخ شهاب، ماخذ: تژادابراهیمی، ۱۳۹۳

تصویر۱۰: اولین خیابان احداثی شهر در سال ۱۳۱۸، ماخذ: آرشیو میراث فرهنگی آذربایجان‌شرقی

تصویر۱۳: به ترتیب از بالا به پایین: نمای شمالی، نمای جنوبی و نمای شرقی مجموعه

شکل شماره ۳: روند توسعه شهر اهر در یک سده اخیر و جایگاه مجموعه شیخ شهاب‌الدین و حریم آن در روند توسعه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

لیکن بافت و اجزای ناهمگون ساخت‌وسازهای منتج از توسعه شهر در عهد معاصر سبب گشته تجسد جلوه‌های بصری مکان و نیز مناظر طبیعی و مصنوع پیرامون اثر کمرنگ شده و دریافت‌های نامناسبی را در حوزه کنش‌های اجتماعی، گردشگری و نیز اشاعه خاطره‌انگیزی مکان حاصل از پیشینه آن؛ دربرداشته است. این‌گونه است که گسست تاریخی روزگار معاصر از سیر تکامل دستاوردهای پیشکسوتان معماری از آستانه نخستین تحولات نوگرایی در کشور ما موجب تولید فضایی ناخوانا در شهرهای معاصر گردیده و موجب بروز لطمات فراوانی به ارزش‌های نهفته در شهر و الگوی شهرسازی سنتی آن شده است (Vahdatiasl, 2001: 4). البته این نوع برخورد، نافی کیفیت ژرف اندیشانه ساختارهای معمارانه گذشته و برخی عناصر معماری امروزی در حوزه نظام فضایی معماری در شهر نمی‌شود. بر این اساس عمده آسیب‌های منجر به تنزل کیفیت و جایگاه فرهنگی مجموعه در فضای یاد شده را می‌توان در ۴ دسته کلی حاصل از فعالیت‌ها و کنش‌های اجتماعی انسانی جای داد(جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: روند بیماری شناسی کالبدی و بصری محدوده مورد مطالعه

مؤلفه	عدم تعادل	آسیب
فعالیت‌های اجتماعی و شهری نامتوازن	کمرنگ شدن ارزش‌های فرهنگی و بومی و کنار گذاشتن الگوهای معماری سنتی منتج از تحولات جدید شهری و شهرنشینی.	از بین رفتن یکپارچگی و انسجام عینی و ذهنی کالبدهای معمارانه و فعالیت‌های ملزوم بخش یاد شده از شهر و پیشینه فرهنگی و تاریخی آن و کمرنگ شدن هویت‌مندی در اذهان عمومی شهروندان (این همانی) که حاصل آن دشواری در پاک‌سازی مداخلات کالبدی حریم و ثبت در فهرست میراث جهانی آن را در پی دارد.
	نبود جو فرهنگی و تاریخی متأثر از پیشینه اثر.	
عدم یکپارچگی و اصالت در جامعیت محیط	به هم خوردن سیمای بافت و تک‌دانه‌های تاریخی توسط عناصر ایجادشده‌ای که از نظر مصالح ساختمان و معماری تناسبی ندارند.	
	دوگانگی فاحش بین عناصر معماری بافت قدیم و جدید و عدم پیوند مطلوب فرهنگی بین آن دو.	
نادیده انگاشتن بستر و محیط تاریخی پیرامون اثر	به هم خوردن سیمای بافت تاریخی در ارتباط با مناظر طبیعی پیرامون (چشم‌انداز طبیعی).	
	عدم کاوش‌های مستمر در پیرامون بلافصل اثر منطبق بر اسناد تاریخی دوره صفویه.	
نداشتن مدیریت مناسب تغییر	بی‌توجهی به عناصر و اجزای ساختاری بافت قدیم و حفظ پیوند آن‌ها و نیز نداشتن جایگاه فرا شهری عناصر فرهنگی ـ تاریخی و عدم حضور پایدار گردشگران در شهر.	
	عدم ساماندهی مناسب اجزای کالبدی الحاقی همچون مسیرهای دسترسی، راهنمایی، خدماتی و...	

۵. عناصر سازنده سیمای کالبدی و منظر تاریخی شهری محدوده مورد مطالعه

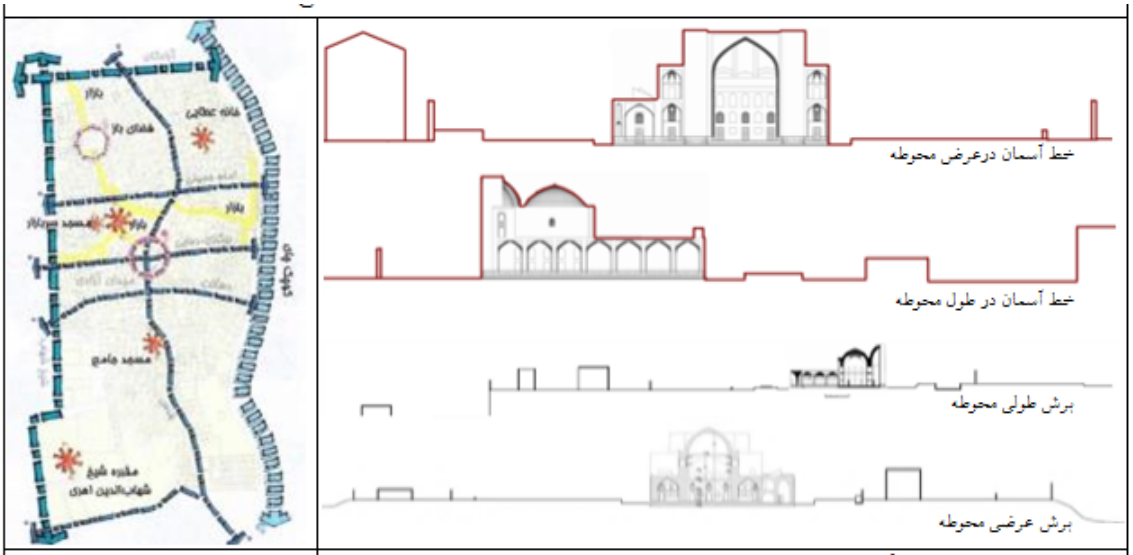
به‌طور کلی عناصر سازنده سیمای کالبدی محدوده در وضع فعلی در پنج دسته قابل بررسی هستند:

الف). مسیرهای دسترسی(خیابان، میادین و گره‌های شهری): خیابان شیخ شهاب‌الدین به عنوان محور شمالی(گره مقابل نقاره‌خانه در ارتباط با باروی قلعه قاپوسی) و دربردارنده گره رسالت و میدان معلم، خیابان قدس در محور جنوبی و شرقی(محل دروازه تاریخی تبریز) و خیابان گلشهر در جانب غرب محوطه به عنوان محورهای اصلی ارتباطی مجموعه می‌باشند. ب). عناصر و مجموعه‌های تاریخی موجود در حریم: همچون مسجد جامع، گورستان قدیمی، باروی قلعه قاپوسی و بازار تاریخی شهر. ج). ساخت‌وسازهای معاصر شهری در حوزه نفوذ اثر: اعم از ابنیه مسکونی، خدماتی و اداری در محوطه و فضاهای پیرامون. د). عناصر صناعت یافته محوطه و چشم‌انداز طبیعی: موارد مصنوع همچون نظام آبیاری و تزئینات بی‌بدیل سنگی مجموعه و از میان عناصر طبیعی، رودخانه کیچیک‌چای در شرق و اهرچایی در جنوب مجموعه بر سازمان کالبدی محدوده تأثیرگذارند و رشته‌کوه کچی قران نیز تأثیرگذار بر سیمای شهری محوطه هستند که به عنوان کریدورهای دید در محدوده بافت مورد اشاره قرار دارند. ه). فعالیت‌های کارکردی پیرامون حوزه نفوذ اثر: نوع فعالیت‌های عملکردی و کنش‌های اجتماعی موجود، خوانایی همسو با چشم‌انداز و منظر تاریخی خود را ارائه نمی‌دهند.

درنهایت، اقدامات توسعه شهری و منتج از آن ساخت‌وسازهای چند دهه اخیر در حریم مجموعه منجر به ایجاد نوعی آشفتگی بصری و اغتشاش در هنجارهای ادراکی در محوطه و جوار آن گشته است. لکن علیرغم اختلاف ارتفاع‌های متعدد و عدم یکدست بودن خط آسمان آن و عدم رعایت ضوابط مربوط درنهایت هیچ‌کدام به لحاظ ارتفاع، بلندتر از بنای شیخ شهاب‌الدین نمی‌باشند و در حقیقت این بنا کیفیت خط آسمان خود را حفظ نموده است(جدول شماره ۵).

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱
Urban managment
No.69 Winter 2023

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]



تصویر۱۵: خط آسمان و مقاطع طولی و عرضی محوطه ارسن، ماخذ: نگارندگان

تصویر۱٤: محدوده بافت تاریخی شهر اهر، ماخذ: مهندسین مشاور شارستان، ۱۳۹۳

شکل شماره ٤: محدوده بافت تاریخی و جزئیات همسایگی در جوار ارسن شیخ شهاب

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱
Urban managment
No.69 Winter 2023

۱-۵. تحلیل لایه‌های منظر شهری تاریخی

۱-۱-۵. عناصر مصنوع محوطه (نظام آبیاری مجموعه)

نظام آب در این مجموعه، هم در بعد بصری و هم در بعد آبیاری دارای اهمیت فزاینده‌ای است. متأسفانه با تخریب نقاره‌خانه در اوایل دهه ۱۳۲۰ شمسی، سیستم پخشایش آب محوطه نیز دچار آسیب شده و به کلی به گرد فراموشی سپرده شد. همجوار با بخش شمالی محوطه، محل وسیع و نسبتاً گودی به نام قانلی‌گل یا همان کوتورگه بوده که برای گذراندن آب از این محل به نقاره‌خانه تپه‌ای مصنوعی احداث کرده بودند تا عمل انتقال آب تکمیل گردد[۱]. سپس آب منتقل شده به نقاره‌خانه توسط مسیر تعریف شده در راستای محور شمالی جنوبی وارد حوض بزرگ مقابل ارسن گشته و از آنجا عمل پخش در چهار جهت اصلی به مثابه چهارباغ صورت می‌گرفت؛ به عبارت دیگر، نظام آبیاری با محوریت حوض آب مقابل عمارت شیخ انجام می‌پذیرفت. در این خصوص محمدکاظم بن محمد تبریزی در کتاب منظرالاولیاء در مزارات تبریز و حومه، آورده است:" [...] چون نایب‌السلطنه[...] محمدمیرزا را حاکم قره‌جه‌داغ نمود آن جناب فرمودند که دوره روضه شیخ را به قرار چهارپنج خروار زمین[،] دیوار کشیده مشجر نموده باغ کردند و مقدار پانصد قدم راه به ارتفاع بیست ذرع تلی از خاک ریخته از روی‌همان تل[،] نهری برداشته آب به آن پالیز جاری و ساری کردند (Mohammad Kazem, 2009: 243).

نحوه آبرسانی باغ برخلاف بیشتر باغ‌های ایرانی که دارای جوی آب‌هایی داخل باغ بودند؛ نبوده بلکه به‌وسیله لوله‌های سفالی آب را داخل باغ آورده و از آن جهت آبیاری و سایر مصارف استفاده می‌کرده‌اند. همچنین بعدها آب محوطه را از سه قنات «حاجی علی میرزا، شیخ کهریزی و قنات حسینیه» واقع در جنوب بلندی قزل‌قیه معروف به کهریزدره‌سی که مظهر قنات مذکور است ـ منطقه چلب‌وردی در شمال شهر اهرـ و نیز نهرهای منشعب از رودخانه اهر چایی در شرق و جنوب محوطه، تأمین می‌نمودند. بر این اساس در بازیابی ساختارهای آبی و مسیرهای آن در مجموعه شیخ شهاب سه پارامتر اصلی قابل شناسایی است. نخست محل ورود آب یا همان نقاره‌خانه در گوشه شمال شرقی حصار، دوم بقایای حوض یا استخر در مرکز محوطه و در جلوی عمارت ارسن و سوم مسیرهای فرعی تقسیم آب که در نخستین تصاویر هوایی در قسمت شرقی و جنوبی محوطه صناعت یافته بود (شکل شماره ۱-۵). بر این مبنا شناخت صحیح از منابع آبی و شبکه آبیاری شامل قنات‌ها، مسیرهای انتقال و... جهت پایداری رسوم و هنجاری سنتی و بهبود شرایط فعلی به عنوان یک زیرساخت حیاتی برای تقویت منظر تاریخی اهمیت به سزایی دارد.

۲-۱-۵. مسیرها و کیفیت راه‌های ارتباطی

از مهم‌ترین ویژگی‌های راه، قابلیت‌ها و تنگناهای آن از نظر تردد و برقراری دسترسی است. این مساله ناشی از مشخصات کالبدی راه و ابعاد و اندازه‌ها در آن و نیز الگوی راه‌های شهر، نحوه همپوشانی و تبدیل سلسله‌مراتب راه‌ها و مفصل این تغییر

۱ـ برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: پرونده ثبت ملی اثر در آرشیو میراث فرهنگی کشور.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

درجه سلسله‌مراتبی، الگوی حرکت سواره (عمومی و خصوصی) و نیز حرکت پیاده است. بر این منوال، بافت تاریخی شهر اهر شامل ۹ محله می‌باشد که بنیان اولیه و هسته کهن آن را باید بر اساس شواهد تاریخی در جنوب شهر فعلی و در محدوده رودخانه کیچیک‌چای جستجو نمود (Dibaj, 1996: 61). به‌طوری‌که از ظواهر امر پیداست محدوده محلات مفروض محصور در بارویی بود که مشتمل بر چهار دروازه در شمال، شمال شرق، جنوب شرق و جنوب غربی بوده است (Shfizadeh, Ebrahimi, 2016: 17). محوطه ارسن شیخ شهاب‌الدین نیز با قرارگیری در جوار محل تاریخی دروازه تبریز(جنوب غربی) با ایفای نقش در روابط فرهنگی و اجتماعی شهر و منطقه در کنار عناصر واجد ارزش تاریخی بافت همچون مسجد جامع از عهد سلجوقیان، حائز اهمیت است. مسیر یاد شده تا چند دهه قبل، نمود کالبدی و بصری مجموعه را به راحتی و از فواصل دور قابل ادراک و دید می‌نمود. لکن، منتج از مداخلات دوره معاصر (رشد شتابان شهرنشینی)، با توجه به بافت متراکم شهری، شریان‌های ارتباطی کهن شهر (کوچه‌ها و معابر باریک شمالی ـ جنوبی و شرقی ـ غربی) تخریب، منقطع و تعریض شدند که نتیجه این تغییرات برنامه‌ریزی نشده به تخریب قسمت‌های کثیری از بافت متراکم و قدیمی شهر منجر شد و چهره شهر را به نوعی دگرگون ساخت. در حال حاضر نیز اصلی‌ترین مسیر دسترسی محوطه موردنظر از جانب شمال و توسط خیابان شیخ شهاب (اولین خیابان احداثی شهر در سال ۱۳۱۸ ه.ش)، می‌باشد (شکل شماره ۲-۵). بر این اساس و در مقایسه با مسیرهای موجود و بر مبنای تصویر هوایی سال ۱۳۳۵، قدمت مسیر منشعب از دروازه تاریخی تبریز به عنوان موجودی تاریخی، قابلیت احیاء و بازسازی جهت دسترسی به سایر ابنیه و محوطه‌های تاریخی را داراست. لذا، ایجاد فضای منجر به سکون در محدوده جهت بهره‌مندی حداکثری از زمان برای ادراک بهتر محیط از جمله راهکارهای متصور میدانی است که کاربست آن جهت ارتقای میزان و کیفیت ارزش تاریخی مکان، مهم می‌نماید.

۳-۱-۵.فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی و کارکردی محدوده

در مبحث هم‌جواری‌ها و نوع فعالیت‌های منتج از آن، کیفیت بافت همجوار ابنیه تاریخی می‌تواند موجب نمایانی یا مخدوش کردن نقش و اهمیت آن‌ها شود و از سوی دیگر می‌تواند عاملی در الگوی بهسازی بناهای مذکور باشد. بافت همجوار در ترکیب با راه‌ها و شبکه دسترسی به ابنیه قدیمی شهر می‌تواند در حیات کنونی و چگونگی باززنده‌سازی آن‌ها نقش مؤثر داشته باشد. کاربری غالب حوزه پیرامونی اثر اداری می‌باشد. بناهای مسکونی نیز پیرامون فضاهای اداری بخش بیرونی محوطه قرار دارند. برخی بخش‌ها نیز به صورت بایر در حوزه اثر باقی‌مانده‌اند. در واکاوی مفاهیم و معانی مستتر در فضا، آنچه که تجسد آن در تعاملات و فعالیت‌های مکان قابل‌فهم است این است که به خاطر عدم تطبیق کاربری‌های فعلی با زمینه تاریخی آن و انقطاع کالبدی علیرغم برخورداری از نمادها و فرم معماری هویت‌ساز، فروغ کمتری دارد. جهت احیا و ارتقای کارکردهای تاریخی پیرامون ولو به صورت نمادین رجوع به وقف‌نامه‌های تاریخی مربوط به مجموعه و رغبات مفروض آن (با فعالیت‌های مشخص) ضمن مکانیابی برخی بناهای تخریب شده تاریخی از جمله حمام تاریخی مجموعه، از جمله عوامل سرزندگی فضا می‌تواند باشد. همچنین تأکید بر کارکرد فرهنگی بنای ارسن شیخ شهاب همچون برگزاری رسومات برجا در مراسمات دهه محرم، در حال حاضر می‌تواند بازگوی جنبه‌های متنوع فرهنگی مجموعه باشد (شکل شماره ۳-۵)؛ بنابراین با تکیه‌بر فرم معماریِ خوانا و منطبق بر کالبد مجموعه، قابلیت ارتقای سرزندگی، با اعمال نکاتی چند (پیش‌گفته) میسور است.

٤-۱-۵. عناصر و مجموعه‌های تاریخی موجود در حریم

محدوده مورد مطالعه علاوه بر میراث معماری شیخ شهاب‌الدین دارای آثار تاریخی دیگری که موجد ارزش‌های فرهنگی باشند؛ هست. آثار مذکور عبارتند از: بقایای باروی کهن دژ بخش حاکم‌نشین شهر در جوار محل نقاره‌خانه، مسجدجامع که نشان‌دهنده جایگاه بلند ارزش‌های فرهنگی مردم در تعلق‌خاطر به مذهب است؛ در شمال شرقی محدوده قرار دارد. بقایای حمام تاریخی اشیک در جوار مسجدجامع، بازار تاریخی شهر در شمال محدوده و در مرز همسایگی با آن، خانه‌های تاریخی با پیشینه‌ای از عهد قاجار در جنوب، عمارات تخریب شده و مدفون داخل محوطه (حصار خشتی) از عهد صفوی همچون حمام، مدرس، کاروانسرا (Kazempour, Archaeological reports of the collection, 2021) (شکل شماره ۴-۵).

۵-۱-۵. ساخت‌وسازهای معاصر شهری در حوزه نفوذ اثر و کنش‌های منتج از آن

عمده ساخت‌وسازهای معاصر در حوزه نفوذ اثر (حرائم مصوب میراثی) عمدتاً مربوط به بافت مسکونی بوده که با بی‌توجهی مدیریت شهری و نیز مالکان نسبت به تأثیرپذیری از هویت و میراث تاریخی با افت منزلت مکانی و اجتماعی مواجه گشته‌اند. فرسودگی کالبدی، ناهنجاری‌های اجتماعی، ناکارآمدی زیرساخت‌ها از جمله مسایل مبتلا به این مناطق‌اند. گسترش افقی و افزایش بی‌رویه سطح شهر موجب از بین رفتن نقش این مناطق به عنوان هسته اصلی شهر شده است. با توجه به مطالب یاد شده می‌توان دریافت که در بحث توسعه شهری جایگاه مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری با توجه به مکان آفرینش اثر، نمودی کمرنگ داشته و در طرح‌های توسعه‌ای معاصر جایگاه چندان درخور شانی برای آن در نظر گرفته نشده است (شکل شماره ۵-۵).

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱
Urban managment
No.69 Winter 2023

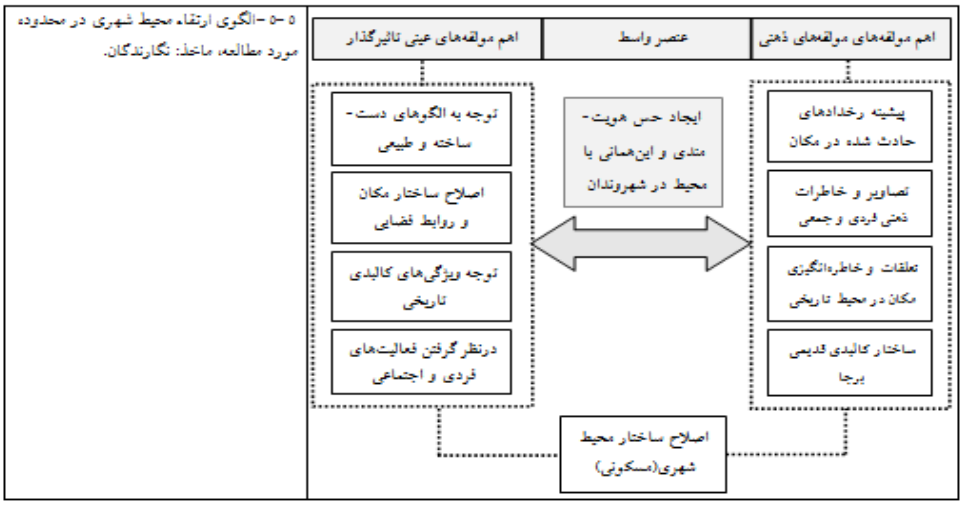
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]



شکل شماره ۵: لایه‌های منظر شهری تاریخی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری در محدوده حرایم میراثی

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱
Urban managment
No.69 Winter 2023

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

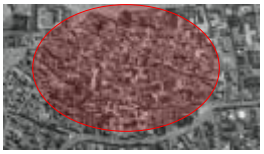


۵-۵-الگوی ارتقاء محیط شهری در محدوده مورد مطالعه، ماخذ: نگارندگان.

۲-۵. الگوهای رفتاری منتج از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی محدوده

عناصر تاریخی در طول حیات کالبدی، معنایی و ذهنی خود به دلیل خصوصیات عینی و ادراکی مستتر در خوانش شاخصه‌های معمارانه و وقوع رخدادهای جاری در آن، موجد خاطره‌انگیزی و هویت در اذهان جامعه شهری است؛ بنابراین از منظر کالبد یافتن اندیشه‌ها و کنش‌های متقابل اجتماعی و بروز تصاویر ماندگار ذهنی، از تأملات ویژه‌ای در میان شهروندان برخوردار بوده‌اند. به‌طور کلی رفتارها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی دارای گستره وسیعی است که از مؤلفه‌های متعدد و پیچیده‌ای تشکیل شده است. در واقع رویکرد منظر شهری تاریخی از سنت‌ها و ادراکات ارتباطات محلی می‌آموزد درحالی‌که به ارزش ارتباطات ملی و بین‌المللی پاسخ می‌دهد (Tagvaei, Motaharirad, 2014: 20). محدوده مورد اشاره واقع در بافت تاریخی شهر اهر از جمله محیط‌هایی است که هنجارهای اجتماعی آن (کنش‌ها و برهم‌کنش‌ها) پیوند ریشه‌داری در مقیاس انسانی دارد و همین امر، بر ماندگاری هویت تاریخی آن در طول سده‌های متمادی تأثیرگذار بوده است. شاید دلیل آن را نیز بتوان با تکیه‌بر یک ظن قوی علمی، در نظام محله‌بندی و وجود عناصر اصلی استخوان‌بندی شهر که خود برهان برتری روابط انسانی و مناسبات اجتماعی بر دیگر عوامل توسعه شهر بوده است؛ جستجو نمود. بر این اساس شناخت مخاطبان ارزش‌های یاد شده، نیازها و الگوهای رفتاری آن‌ها در اتخاذ رویکردهای حفاظتی و رویه‌های ارتقای میزان و کیفیت مراتب هویت‌مندی مکان مؤثر خواهد بود (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: کنش‌های اجتماعی بروز یافته در محدوده ارسن شیخ شهاب

الگوی رفتاری	هنجارها	محدوده	مستندات تصویری
اجتماعات	برگزاری مراسمات مذهبی عمومی	محوطه ارسن شیخ شهاب‌الدین، مسجد جامع	
بازدید از ارسن شیخ شهاب‌الدین	بازدید از موزه و مسجد مجموعه	بنای ارسن شیخ شهاب‌الدین	
برنامه‌های جمعی	برگزاری برنامه‌های فرهنگی و برخی جشنواره‌ها	محوطه ارسن شیخ شهاب‌الدین	
هواخوری و تفریح	بازدید از محوطه و فضای سبز پیرامون ارسن	محوطه ارسن شیخ شهاب‌الدین	
گردش	خاطره‌انگیزی مکان، ارضای حس تعلق مکانی	محدوده قلعه‌قاپوسی و بافت تاریخی متعلقه	

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱

Urban managment
No.69 Winter 2023

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

٦. خوانش و تطبیق لایه‌ها به صورت یکپارچه

با توجه به مفاهیم ارائه شده و واکاوی پیمایش‌های میدانی چنین مستفاد می‌شود که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده منظر شهری تاریخی در محدوده حرائم میراثی ارسن شیخ شهاب‌الدین اهری شامل دو طیف در بستر عوامل شناختی (ادراکی) و فیزیکی (کالبدی) می‌باشد. بستری که حیات اجتماعی در آن جریان یافته و رخدادها و رویدادها در آن رخ می‌دهند. بدین‌صورت، بازتاب کالبدی عوامل یاد شده را می‌توان در صناعت‌های معمارانه عناصر تاریخی محدوده و نیز برهم‌کنش‌های اجتماعی حاصل از پیشینه مکان در مراودات روزانه شهروندان؛ در پیکر شهر مشاهده نمود. عناصر مصنوع در محوطه ارسن و پیرامون آن و نیز مسیرهای ارتباطی تاریخی به عنوان یک نشانه در شبکه نمادین شهر، موجد هویت بوده و با ساختار و مفهوم خاص خود تأثیرگذار بر کیفیت فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و نوع ساخت‌وسازهای معاصر شهری در داخل محدوده موردنظر بوده است. بدین ترتیب در خوانش لایه‌های تاریخی منظر شهری، توجه توأمان به طیف‌های متشکله به‌صورت یکپارچه با توجه به اثرات متقابل آن بر روی‌هم امری است که باید با دقت نظر بیشتری دنبال گشته و در برنامه‌های آتی از جمله تکمیل پرونده ثبتی میراث جهانی آن مدنظر قرار گیرد. چراکه صرف موجودیت فیزیکی عناصر تاریخی و تلاش در نگهداشت آن به‌صورت موزهای امکان بروز زنگار تاریخی و هویت‌مندی منتج از آن، میسور نخواهد گشت بلکه فضاسازی و توجه به زمینه تاریخی، رویدادها و بسترهای کیفیت‌زا در آن مؤثر خواهد بود. لذا ضمن تطبیق کاربری‌ها و زمینه تاریخی آن‌ها در محدوده مورد مطالعه، با اصلاح ساختار و سیمای مکان و بر تأکید بر حفظ جداره‌های ارزنده تاریخی موجود، ایجاد فضای منجر به سکون جهت بهره‌مندی حداکثری از زمان برای ادراک بهتر محیط توسط شهروندان، تشخص فضاها، رعایت سلسله‌مراتب دسترسی و... از جمله راهکارهای متصور است که کاربست آن جهت ارتقای میزان و کیفیت مراتب حفظ و نگهداشت مجموعه مهم می‌نماید.

۷. نتیجه‌گیری

ارسن شیخ شهاب‌الدین اهری به عنوان اثری منحصربه‌فرد و مثالی از یک مجموعه معماری با کارکردهای متنوع ـ همچون خانقاه، مدرس، مسجد، باغ‌مزار و...ـ مرتبط با منظر پیرامونی خود است که آثار تاریخی متعدد از ادوار مختلف تاریخی از ایلخانی تا قاجار را در کالبد خود دارا بوده و با جلوه‌های طبیعی پیرامون و تعاملات اجتماعی جامعه شهری و صناعت‌های معاصر آن پیوند عمیقی برقرار کرده است. پیمایش‌های میدانی و تحلیل‌های صورت گرفته در حوزه منظر شهری تاریخی ارسن مورد اشاره در محدوده حرائم مصوب معماری، نشان داد لایه‌های منظر یاد شده در دو گروه صناعت‌های انسان‌ساخت (کالبدهای معمارانه) شامل عناصر و مجموعه‌های تاریخی درون و بیرون محوطه، راه‌های ارتباطی، ساخت‌وسازهای معاصر شهری و عوامل ادراکی (ناملموس) با طیف‌های وابسته همچون فعالیت‌های انسانی ـ اجتماعی و برهم‌کنش‌های منتج از آن؛ جای دارد. بر این اساس شناخت لایه‌های مذکور جهت کاربست الگوهای تاریخی به سمت ایفای نقش خاطره‌انگیزی مکان و تقویت نقش تاریخی از بعد فرهنگی و اجتماعی آن در شهر با توجه تومان به تمامی طیف‌های متشکله لایه‌های منظر شهری تاریخی در محدوده مورد مطالعه به مثابه رویکردی منعطف، لازم می‌نماید. هدف از انتخاب چنین رویکردی، ایجاد هم‌پیوندی و یکپارچگی بنا و محیط پیرامونی‌اش در چشم‌انداز شهری بر مبنای بازیابی هویت‌مندی تاریخی شهر و ادامه حیات مجموعه است. این فرآیند از بازشناخت پیشینه شهر آغاز و به چهارچوبی مستدل در ارائه کیفیت تأثیرگذاری در محدوده حریم میراثی محوطه انجامید. به‌گونه‌ای که پاسخگوی تداوم و پویایی محدوده نزد مخاطبان به عنوان یک قطب فعال فرهنگی و تاریخی گردد. بر مدار این سخن در روند بازخوانی لایه‌های منظر شهری برای ساماندهی آن بایستی تمامی اجزا متشکله در عرض هم و نه به‌صورت منفرد با راهکارهایی همچون تقویت بعد نشانه‌شناسی در محدوده، تأکید بر قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی مجموعه به جهت پیشینه مرتبط آن، تشخص دادن به فضاهای تأثیرگذاری که به گرد فراموشی سپرده شده‌اند و نیز کاربست اصول هندسی برجای مانده تاریخی در محوطه ارسن و... مورد دقت نظر قرار گیرد. بدین معنا که تأثرات تمامی لایه‌های متشکله منظر تاریخی شهری محدوده ارسن شیخ شهاب‌الدین با طیف‌های متنوع آن در برنامه‌های توسعه شهری و طرح‌های فرادست اعمال گردد.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱
Urban managment
No.69 Winter 2023

References

- Atashinbar, mohammad (2009), Continuity of identity in urban landscape, Bagh Nazar magazine, No. 12, 45-56. [In Persian].
- Dibaj, I. (1996), Antiquities and Historical Buildings of Azerbaijan, Central Council of the Imperial Iranian Celebration, Tehran. [In Persian].
- Farahani, Zahra (2016), historical urban landscape, definitions and requirements of many and many, Haft Shahr magazine, No. 55-56, 44-52. [In Persian].
- Habibi, Seyed Mohsen, Samadi Kafi, Negin (2020), Stratification palimpsest; A tool for explaining the identity of a historical city, Soffeh Magazine, No. 2, 71-90. [In Persian].
- Kabir Saber, M. B, Ebrahimi, M. R. (2013), Historical Recognition of Architectural Developments in the Collection of Sheikh Shahabuddin Mahmoud Ahari, Quarterly, Journal of Iranian Islamic City Studies, No. 12, 7178-. [In Persian].
- Labaf Khaniki, Meysam (2016), The evolution of the cultural landscape of Maimand Kerman based

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]

- Torabi Tabatabai, S. J. (2005), Ahar Antiquities (Arasbaran), Tabriz, Author Publisher. [In Persian].
- Turkaman, E. (2011), History of the Abbasid world, Tehran, Amirkabir Publications. [In Persian].
- Unesco (2011), recommendation letter on the historical urban landscape, translated by: Azita Alizadeh and Naira Khan Mohammadi, Athar Publication, No. 63, 69-85.
- Vahdati Asl, A. (2001), Today's City and the Forgotten Identity of the Iranian City, Haft Shahr, No. 4, 2.4- [In Persian].
on historical studies and archaeological findings, Archeology Journal, No. 2, 111-130. [In Persian].
- Mansouri, Seyyed Tajuddin, Jahan Bakhsh, Haider (2013), How to improve the body and urban landscape through the revival of cultural-historical values of the city, Journal of Physical-Spatial Planning, No. 3, 89-102. [In Persian].
- Mohammad Kazem ebn Mohammad Tabrizi (2009), Manzar-ul-Awliya; In the tombs of Tabriz and its suburbs, edited by Mirhashem Mohaddes, Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly, Tehran. [In Persian].
- Movahed, S. (2003), Safiuddin Ardabili; The Noble Face of Sufism in Azerbaijan, Tehran, New Plan Publications. [In Persian].
- Mulla Jalaluddin Manjem (2021), History of Abbasi, by: Saifullah Vahidnia, Tehran, Vahid Publications. [In Persian].
- Nejad Ebrahimi, A. (2014), Study and recognition of the tomb and monastery of Sheikh Shahabuddin Ahari "with a comprehensive restoration approach to rehabilitation, General Directorate of Cultural Heritage of East Azerbaijan, Tabriz.
- Netanj, Mohammad Reza, Zat Akram, Vahid (2019), An approach to the protection of the cultural landscape of Dovan village, Journal of Housing and Rural Environment, No. 168, 19-34. [In Persian].
- Pourbahader, Popek, Fadainejad Bahramjardi (2018), Recognizing the theoretical framework of the historic urban landscape conservation approach, Iranian Islamic City Journal, No. 31, 63-74. [In Persian].
- Pourjafarnasser, Sanaz, Espinhari Kanari, Issa, Tabibian, Manouchehr (2020), Historical urban landscape approach is a new tool for urban heritage management, Islamic Architecture and Urbanism Culture Journal, No. 1, 183-199. [In Persian].
- Shafizadeh, A and Ebrahimi, M (2015). Recognition of architectural developments in the historical complex of Ahar Bazaar. Iranian Architecture & Urbanism, 12, 27-15. [In Persian].
-Shafizadeh, A, Ebrahimi, M. R. (2020), A Reflection on the Structures and Architectural Developments of the Monastery and Tomb of Sheikh Shahabuddin Ahri in the Sixth to Eleventh Centuries AH, Iranian Journal of Archaeological Research, 28. 243-261. [In Persian].
- Shaheswargar, Molovud (2011), Continuity of cultural landscape, revival and re-creation of a historical garden, Manzar magazine, 17, 54-59. [In Persian].
-Taghvaei, S. H., Motahari Rad, M. (2014), Analysis of the historical urban landscape of Soltanieh based on the 2011 UNESCO Recommendation (Case study: the axis between the dome of Soltanieh and the tomb of Mullah Hassan Kashi), Islamic Iranian city, 18, 13-24. [In Persian].

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۹ . زمستان ۱۴۰۱
Urban managment
No.69 Winter 2023

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-04]